

سایه تن درشکه چی

پتر وایس

ترجمه نگار نصیری

ویراستار: محمدرضا پورجعفری

چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲

موضوع اثر

روایتی از تاریخ شفاهی

در زمینه تاریخ شفاهی و تاریخ اجتماعی

نوع اثر: نثر

تعداد صفحات: ۲۲۱

پتر وایس، مولف کتاب، در نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در نوامبر برلین، آلمان متولد شد.

در سال ۱۹۸۲ در استکهلم سوئد متولد شد.

تحصیلش در زمینه تاریخ شفاهی است.

برای اساتید و محققان تاریخ شفاهی و تاریخ اجتماعی این کتاب، ادبیات انسانی

مشاوران برجسته و نویسندگان برجسته تاریخ شفاهی است.

در این کتاب به بررسی تاریخ شفاهی و تاریخ اجتماعی در دوره نوسازی ایران پرداخته شده است.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۲ میلادی در تهران منتشر شده است.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۲ میلادی در تهران منتشر شده است.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۲ میلادی در تهران منتشر شده است.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۲ میلادی در تهران منتشر شده است.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۲ میلادی در تهران منتشر شده است.

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۲ میلادی در تهران منتشر شده است.



Shabnam

مقدمه مترجم

پتر وایس، با نقاشی و گرافیک آغاز کرد سپس به ساختن فیلم‌های مستند پرداخت که برخی از آنها به جوانان مشهوری هم دست یافتند. اما فعالیت اصلی او در دهه شصت آغاز شد. نخستین رمان‌های او *رواج* یا *پدر و مادر* و *گریزگاه*، داستان‌های زندگی نامحلی خود اوست. در این آثار توجه و علاقه وایس به کافکا را می‌توان دید. چرا که پدر وایس نیز نقش مهمی در زندگی او داشت. رابطه وایس با مادرش هم چندان خوب نبود و در مدرسه هم آموزگاران و هم‌کلاس‌هایش با او برخورد درستی نمی‌کردند. پس از

پتر وایس، متولد ۸ نوامبر ۱۹۱۶ در نوواوس برلین، متوفی ۱۰ مه ۱۹۸۲ در استکهلم.

منتقدان رمان کوتاه سایه تن درشکه‌چی را پس از انتشار در ۱۹۶۰ برای اصالت و ساختار هنرمندانه ستودند. این کتاب، ادبیات آلمانی منشور زمان خود را متحول کرد.

«این‌جا به دور از رویدادهای شبه ادبی باب روز، نویسنده‌ای با عزمی راسخ یا به عبارت بهتر متکی به نفس است که روی اثری بی‌همتا کار می‌کند. در زمانه رواج کارهای سرسری، این برجسته‌ترین اثر ادبیات زمان ما را فقط می‌شود کاری بزرگ نامید». دویچه تسایتونگ
تصاویر، کلازهای پتر وایس هستند که نخستین بار خود او در سال ۱۹۶۰ برای این کتاب انتخاب کرد.

مقدمه مترجم

پتر وایس، با نقاشی و گرافیک آغاز کرد سپس به ساختن فیلم‌های مستند پرداخت که برخی از آن‌ها به جوایز معتبری هم دست یافتند. اما فعالیت ادبی او در دههٔ شصت آغاز شد. نخستین رمان‌های او *وداع با پدر و مادر* و *گریزگاه*، داستان‌های زندگی‌نامه‌یی خود اوست. در این آثار توجه و علاقهٔ وایس به کافکا را می‌توان دید. چرا که پدر وایس نیز نقش مهمی در زندگی او داشت. رابطهٔ وایس با مادرش هم چندان خوب نبود و در مدرسه هم آموزگاران و هم‌کلاس‌هایش با او برخورد درستی نمی‌کردند. پس از مهاجرت به انگلستان در ۱۹۳۴، بچه‌های لندن مسخره‌اش می‌کردند، در سویس «خارجی مشکوک» به حساب می‌آمد. سرانجام به سوئد رفت و اقامت آنجا را گرفت. البته در سوئد هم فقط به دلیل ثروت پدرش به او اجازهٔ اقامت دادند.

پس از نوشتن یکی دو نمایشنامه که توصیف تنش‌های خانوادگی و تبعید و جست‌وجوی راه هنرمند است، اثر نمایش *مهمش مارا - ساد* را نوشت که نام اصلی آن چنین است: *آزار و قتل ژان پُل مارا* که گروه نمایش شارانتون به رهبری موسیو دوساد آن را به روی صحنه آورد. این نمایش نخستین بار در تئاتر شیلر برلین در ۱۹۶۴ به اجرا درآمد و بسیاری از معاصران آن را سرآغاز مرحلهٔ مهمی در تاریخ تئاتر آلمان دانستند. ماجرای

تاریخی نمایشنامه، قتل مارا رهبر انقلابی فرانسه به دست شارلوت کورده در سال ۱۷۹۳ است که نمایش آن در ۱۸۰۸ با بازی گروهی بازیگر از آسایشگاه شاراتون، مرکب از بیماران و زندانیان سیاسی، به کارگردانی مارکی دوساد به روی صحنه می‌آید. این نمایشنامه در عین حال هم دوره «ترور» (۱۷۹۳) و هم شکاف‌های عصر ناپلئونی (۱۸۰۸) را توصیف می‌کند. صحنه‌های اصلی به مواجهه میان دو چهره بزرگ متضاد یعنی مارا و مارکی دوساد می‌پردازد. مارا، مظهر تعهد سیاسی کامل و ساد نماینده فردگرایی است که هرگونه تعهد نسبت به هر آرمانی را رد می‌کند.

موضوع اصلی نمایشنامه نشان دادن دیدگاه‌های متضاد دو شخصیت است. شیوه نمایش نیز برشتی است. تنها بازیگران در نمایش حضور ندارند بلکه کسان دیگری از جمله بندبازان، تردستان، رقصندگان، موسیقی‌دانان، آوازخوانان و مقلدان هم هستند که با اشارات و اطوار خاصی مقصود خود را بیان می‌کنند. نمایشنامه با قتل مارا به دست شارلوت کورده پایان می‌یابد. نمایشنامه معروف دیگر او «استنطاق» است. که در اکتبر ۱۹۶۵ روی صحنه رفت. نمایشنامه «استنطاق» در ۱۹۶۰ در آلمان غربی به نمایش درآمد. از آثار نمایشی دیگر او «تروتسکی در تبعید» و «هولدرلین در آغاز دهه ۱۹۷۰» شایسته ذکرند.

اثر حاضر سایه تن درشکه‌چی، که در ۱۹۶۰ منتشر شد. پتر وایس را به شهرت رساند. شکل بدیع اثر باعث شد تا بسیاری به تقلید از او بپردازند. جنبه مهم این رمان، شیوه توصیف دقیق و پوچ‌گرایانه آن است که اشیا را از آغاز تا پایان به دقت توصیف می‌کند. آوازخوانان و مقلدان هم هستند که با اشارات و اطوار خاصی مقصود خود را بیان می‌کنند. نمایشنامه با قتل مارا به دست شارلوت کورده پایان می‌یابد. نمایشنامه معروف دیگر او «استنطاق» است. که در اکتبر ۱۹۶۵ روی صحنه رفت. نمایشنامه «استنطاق» در ۱۹۶۰ در آلمان غربی به نمایش درآمد. از آثار نمایشی دیگر او «تروتسکی در تبعید» و «هولدرلین در آغاز دهه ۱۹۷۰» شایسته ذکرند.

رخدادهای کور و نامعلوم. هرگاه که نمی‌خواهد ماجراهای اطرافیان را ثبت کند، در اتاقک زیرشیروانی دراز می‌کشد و خود را غرق در خیالات واهی می‌کند. همیشه بشقاب نمکی آماده دارد تا بتواند چند دانه نمک توی چشمهایش بپاشد. با این کار از لابه‌لای پرده اشک، تصاویر را براق و هندسی می‌بیند.

شکل روایت در سایه تن درشکه‌چی، یعنی تصویر برداری واقع‌گرایانه و دقیق از جهان خارج، همراه با تردید در امکان روایت کردن، پیروان بسیاری یافت و این همزمان با توفیق «رمان نو» بود که با نام‌هایی همچون کلودسیمون و رُب‌گریه درآمیخته بود.